

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی^۱

سال سیزدهم - شماره ششم - شهریور ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۲

سبک‌شناسی قصاید رشیدالدین وطواط

(ص ۲۵۸-۲۳۵)

مجید رحمتی؛ داوود محمدی (نویسنده مسئول)، یدالله شکری؛

محمد رضایی^۵

تاریخ دریافت مقاله: بهمن ۱۳۹۷ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: آبان ۱۳۹۸

چکیده

رشیدالدین وطواط از شاعران معروف سده ششم هجری است که مهارت وی در کاربرد واژه‌ها و صنایع لفظی و معنوی او را از یگانه شاعران روزگار خویش ساخته است. لذا بررسی جنبه‌های سبکی اشعار وی می‌تواند تمایزات زبانی و ادبی وی را از دیگر شاعران معاصرش مشخص کند. با توجه به اینکه اغلب پژوهشگران در سبک‌شناسی اشعار رشید تنها به سطح ادبی آن محدود شده‌اند و از دو سطح فکری و زبانی او مغفول مانده‌اند، نگارندگان مقاله حاضر، با هدف معرفی ویژگیهای منحصر به فرد زبانی، ادبی و محتوایی اشعار رشید با رویکرد سبک‌شناسی به واکاوی قصاید وی پرداخته‌اند. نتیجه حاصل از این پژوهش حاکی از این است که قصاید رشید از نظر زبانی مستحکم است و گاهی به قصاید خاقانی پهلوی می‌زند. وی با مهارت خاصی واژه‌ها را انتخاب می‌کند و سخنش عاری از عیوب فصاحت و بلاغت است. از کلمات عربی با هنرنمایی تمام جایگاه قافیه استفاده کرده است و لغات مهجور کمتر در اشعار او به چشم می‌خورد. وی با قریحه پویای خود ترکیباتی بدیع و نو می‌سازد و البته در بسیاری از موارد معنا را فدای لفظ پردازی می‌کند. بدین ترتیب، شعر رشید تحول شعر فارسی از سبک خراسانی به سوی سبک عراقی را نشان می‌دهد. آنچه قصاید رشید را از دیگر شاعران مداح روزگار متمایز می‌کند غلبه مضامین اخلاقی و اجتماعی است که در خدمت مدح قرار گرفته‌اند. این امر و توجه شاعر به لفظ پردازی به طور ضمنی دلالت بر بحرانهای اجتماعی و اخلاقی عصر او دارد.

واژه‌های کلیدی: رشیدالدین وطواط، سبک‌شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان (M.rahmati@semnan.ac.ir)

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان (D_mohammadi@semnan.ac.ir)

۴- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان (y_shokri@semnan.ac.ir)

۵- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان (mohamad_rezaie@semnan.ac.ir)

Rashid al-Din's style of poetry

Majid rahmati, Davoud Mohammadi^۱(corresponding athour),

Yaddollah Shokri^۲, Mohammad Rezaie^۳

Abstract

Rashid al-Din Vatvat is one of the most famous poets of the sixth century AH whose skills in the use of words and verbal/spiritual devices has made him a unique poet of his day. Thus, studying the aspects of his poems can distinguish his linguistic and literary distinctions from his other contemporary poets. Given that most scholars in the style of Rashid's poetry have confined themselves only to its literary level and have neglected both its intellectual and linguistic levels, the authors of this article aim to introduce the unique linguistic, literary, and content characteristics of Rashid's poems through stylistic approach of analyzing his poems. The results of the present study indicate that Rashid's lines are linguistically strong and sometimes comparable with Khaqani's poems. He chooses words with particular skill, and his speech is devoid of any defects in eloquence. He used the Arabic words with a full rhyming vocabulary, and obsolete words rarely appear in his poems. He makes exquisite and innovative compositions with his dynamic talents; however, in many cases he sacrifices meaning for rhetoric. Therefore, Rashid's poetry illustrates the transformation of Persian poetry from Khorasani style to Iraqi style. What distinguishes Rashid's poems from those of other poets of his day is the predominance of the moral and social themes that have been served. This, together with the poet's attention to rhetoric, implies social and moral crises of his age.

Keywords: Rashid al-Din Vatvat; Stylistics; Linguistic level; Literary level; Intellectual level.

^۱ Student of phd of persion language and literature of semnan university: (M.rahmati@semnan.ac.ir)

^۲. asisstent of proffesor of persion language and literature department of semnan university: (D_mohammadi@semnan.ac.ir)

^۳ asisstent of proffesor of persion language and literature department of semnan university: (y_shokri@semnan.ac.ir)

^۴ asisstent of proffesor of persion language and literature department of semnan university: (mohamad_rezaie@semnan.ac.ir)

۱- مقدمه

محمد بن عبدالجلیل معروف به رشید الدین وطواط شاعر و قصیده‌سرای مشهور سده ششم هجریست و آنگونه که یاقوت حموی در معرفی او میگوید وی «ادیب شاعر و کاتب و از نوادر زمان و عجایب آن بود و یگانه روزگار. در نظم و نثر برترین مردم زمان خویش و داناترین آنان به دقایق کلام عرب و اسرار نحو و ادب بود. آوازه علمش در جهان پیچید و ذکر او در سراسر اقالیم بر سر زبان‌ها افتاد. او در یک زمان می‌توانست بیتی به عربی بگوید در بحر و بیتی به فارسی در بحر دیگر و هر دو را با هم املا کند» (معجم‌الادباء، یاقوت حموی: ۱۱۴۰). رشیدالدین وطواط شاعری متفرد در ایراد صنایع مختلف لفظی از قبیل ترصیع، مماثله و تجنیس و امثال آنهاست و دیوانش مجموعه‌ای از صنایع مختلف لفظی است. شعر گفتن برای او در واقع میدانی است که توان خود را در کاربرد صناعات ادبی به نمایش گذارد؛ اما این آرایش‌های سخن هیچ آسیبی به استحکام کلام او نمی‌رساند.

اما بیشتر محققان معاصر که پیرامون اشعار رشیدالدین وطواط سخن گفته‌اند بر این باورند که توجه شدید وی به الفاظ طبعاً او را از اشتغال به معانی باریک و افکار لطیف و مضامین دقیق دل‌انگیز بازداشته و به این سبب آثار او با آنکه آراسته به کلام مصنوع و فصیح است، از معانی بلند مطبوع برخوردار نیست. «اشعار فارسی رشید با وجود قوت ترکیب و استحکام بنیان و فصاحت لفظی از طراوت خالیست و آن شادابی و لطف را که در گفته‌های بعضی از سخن‌سرایان معاصر او دیده می‌شود ندارد. بخصوص که رشید در نظم اشعار نیز مثل نثر سعی کرده است در غالب جاها مصراع‌ها را با رعایت صنایع بدیعی که در آن استاد شمرده می‌شده است ترتیب دهد و آنها را از ترصیع و موازنه و غیره خالی نگذارد» (شرح حال رشید وطواط، اقبال آشتیانی: ۴۰۴). همچنین فروزانفر درباره هنر شاعری او می‌گوید: «اغلب ابیات او از معانی دقیق و احساسات لطیف که پایه و مایه شعر حقیقی است و قیمت شعر را بدان معیار باید سنجید عاری و عاطل مانده و به هیچ قسم در دل خواننده تأثیر واقعی نمی‌کند و این بدان سبب است که رشیدالدین تمام همت خود را به جانب الفاظ معطوف داشته و همیشه می‌خواسته است که اشعار او لااقل بر یک یا دو صنعت بدیعی مشتمل باشد، چنان که در کتاب حدائق‌السحر مکرر می‌گوید و از این جنس در سخن من بسیار است.» (سخن و سخنوران، فروزانفر: ۳۲۴).

بنابراین، وجود دو دیدگاه متعارض و متمایز کلاسیک و معاصر درباره رشیدالدین وطواط حاکی از آن است که معیارهای زیبایی‌شناسی ادیبان در گذر زمان تغییر یافته است و شاعرانی همچون رشید الدین که روزی یگانه روزگار خویش بودند امروز از جایگاه بسزایی برخوردار نیستند.

از این روی، با پذیرش این فرضیه که به استناد منابع تاریخی رشید و طواط از شاعران پراوازه روزگار خویش بوده است، پژوهش حاضر در ابتدا در صدد پاسخ دادن بدین پرسش است که چه ویژگی‌های در شعر او سبب شهرت و آوازه وی در عصر خویش شده است. سپس با نگاهی شاملتر کوشیده است با سبک‌شناسی اشعار رشیدالدین و طواط در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بدین پرسش پاسخ دهد که تا چه اندازه اشعار او منطبق بر موازین ادبی و معیارهای زیبایی‌شناسی روزگار خویش بوده است. در نهایت بدین پرسش پاسخ داده شده است که دیدگاه انتقادی معاصران، کدامیک از ویژگی‌های سبکی رشید را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

پیشینه تحقیق

علاوه بر اشاراتی که تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبیات فارسی درباره رشید و سبک شعری او سخن گفته‌اند، در دوره معاصر میرزا عباس اقبال آشتیانی در چند شماره از مجله ارمغان به شرح حال رشید و جایگاه او در درگاه خوارزمشاهیان و ارتباط او با اتسز خوارزمشاه پرداخته است و نیز به معرفی آثار و سبک اشعار او اشاره داشته است (اقبال آشتیانی، شماره ۵ تا ۱۱). جواد منصوری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «کاوشی در بازشناسی رشید و طواط و کتاب مطلوب کل طالب» که به معرفی و ارزیابی کتاب مطلوب کل طالب پرداخته‌اند. در زمینه سبک‌شناسی اشعار رشیدالدین نیز، سارا سعیدی و محمد احمدی در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی انتقادی به شیوه شاعری رشیدالدین و طواط» به شیوه‌ای توصیفی و تحلیلی به بررسی نقاط قوت و ضعف شعر و دلایل عدم مقبولیت آن و بدعتها و بدایع شعر او پرداخته‌اند و در نهایت چنین نتیجه گرفته‌اند که لفظ‌پردازی‌های رشید شعر او را از شعر حقیقی دور کرده است و به صنعت‌گرایی پرداخته است (نگاهی انتقادی به شیوه شاعری رشیدالدین و طواط: ص ۱۲۷-۱۰۹). نصرت الله دین محمدی کرسفی در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه شعر «عشق بتان» رشید و طواط با شعر «ذخیره» آپولینز» به تجسمی بودن هر دو شعر، شباهتهای محتوایی و مضمونی، آمیختگی هر دو شاعر با هنر خوشنویسی و توجه متوارن به بعد شنیداری و گرافیکی اشاره کرده‌اند (مقایسه شعر «عشق بتان ...: ۳۳-۶۱). با توجه به پیشینه تحقیقی مذکور، تاکنون هیچ یک از پژوهشگران به زیبایی‌شناسی شعر رشیدالدین مبتنی بر معیارهای ادبی عصر او نپرداخته‌اند و اشعار وی را به ترازوی نقد عصر شاعر نسنجیده‌اند. همچنین سه سطح زبانی، ادبی و فکری اشعارش در ارتباط با یکدیگر ارزیابی نشده‌اند. از این روی، مقاله حاضر به تحلیل سطوح سه‌گانه قصاید او پرداخته است.

۲- مبانی نظری

در یک نگاه کلی، سبک‌شناسی دانشی است که متن یا متون را از منظر شباهتها و تفاوت‌هایش با دیگر متون بررسی میکند. ملک شعرای بهار در تعریف سبک نوشته است: «طرز ادائی که از لحاظ مشخصات و وجوه امتیازی که نسبت به هنرهای زیبای مشابه داد مورد مطالعه قرار گیرد و نیز روش نگارشی که بوسیله خواص ممتازه خویش مشخص شده باشد» (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱، ص ۱۶). وردانک نیز سبک را شیوه کاربرد زبان به منظوری خاص و برای ایجاد تأثیری ویژه میداند (مبانی سبک‌شناسی، ص ۱۸-۲۰). در تعاریف دیگری که از سبک‌شناسی شده است نیز به بررسی و سنجش وجوه تشابه و تمایز اثر اشاره شده است. بهار در مقدمه کتاب سبک‌شناسی خود مینویسد «سبک هر نویسنده حاکی از طرز بینش و ادراک اوست از جهان بیرون» (سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۱۸) وی سبک‌شناسی را شامل دو بخش ۱- حکمت و علوم و ۲- فنون ادبی دانسته است (همان). شمیسا نیز در سبک‌شناسی شعر بررسی سبک شخصی و نیز دوره‌ای نویسندگان را به سه سطح زبانی، ادبی و فکری تقسیم کرده است. ۱- سطح زبانی خود دارای سه سطح آوایی، نحوی و لغوی است. در سطح آوایی، وجوه موسیقایی درونی و بیرونی اثر مورد بررسی قرار میگیرد. در سطح لغوی، میزان کاربرد واژه‌های فارسی در برابر واژه‌های بیگانه مانند عربی، ترکی و مغولی و یا کهن-گرایی و استعمال لغات نزدیک به پهلوی، حروف اضافه بسیط یا مرکب، نوع گزینش واژه‌ها با توجه به محور جانشینی، دایره واژگانی، مترادفات و غیره مورد توجه قرار میگیرد. در سطح نحوی، به بررسی جمله از نظر محور همنشینی و کاربردهای کهن دستوری و یا کوتاهی و بلندی جملات پرداخته میشود. ۲- سطح ادبی توجه به مسائل علم بیان از قبیل تشبیه، استعاره و کنایه است. مسائل بدیع معنوی از قبیل: ایهام، تناسب، تضاد، و به طور کلی زبان ادبی اثر و انحرافهای هنری و خلاقیت ادبی زبان در این سطح مد نظر قرار میگیرد. ربط این مختصات سبکی به یکدیگر است که ساختار سبک شخصی اثر را مشخص میکند. ۳- سطح فکری نیز اثر از حیث که درونگرا و ذهنی است یا برونگرا و عینی، شادی گراست یا غمگراست، خرد گراست یا عشقگرا و چه فکر خاصی را تبلیغ میکند، بررسی می‌شود (سبک‌شناسی شعر، شمیسا، ص ۲۱۶-۲۲۲). در ادامه ضمن ارائه تعریفی برای هر یک از سطح زبانی، ادبی و فکری در سبک‌شناسی به بررسی و تحلیل این سه سطح در قصاید رشید وطواط می‌پردازیم.

۳- تحلیل و بررسی سبکی قصاید رشید

۴-۱- سطح زبانی

سطح زبانی مقوله گسترده‌ای است که به سه سطح کوچکتر «آوایی»، «لغوی» و «نحوی» تقسیم میشود:

۱-۱-۴- آوایی:

به سطح آوایی میتوان سطح موسیقایی متن نیز گفت. در این سطح اثر ادبی از حیث موسیقی بیرونی یعنی اوزان عروضی و موسیقی درونی یعنی صنایع بدیع لفظی مانند جناس، تکرار مورد بررسی قرار میگیرد

الف- موسیقی بیرونی (وزن)

وزن شعر حاصل نظم و تناسبی است که در صوتهای ملفوظ ایجاد شده است (وزن شعر فارسی، ناتل خانلری: ۲۴). بنابراین، وزن نخستین عامل مشترک بین شعر و موسیقی دانست. رشیدالدین وطواط در مجموع ۲۰۹ قصیده دارد که در هفت (۷) بحر مشهور سروده شده‌اند و این بحر‌ها در ۲۲ وزن مختلف هستند. بیشتر این قصاید در وزن‌های آرام و سنگین و جویباری هستند که مناسب مضامین دلنشین و بیانگر احساسات شاعر در غم و اندوه است که البته رشید این عواطف را هم به خدمت مدح درآورده است. بحر مضارع بیش از همه مورد علاقه رشید است و ۶۱ قصیده یعنی حدود ۲۹٪ قصایدش را شامل میشود. بحر مجتث با ۴۲ قصیده یعنی ۲۰٪ دومین بحر پرکاربرد در قصاید رشید است. ۳۰ قصیده (۱۴،۳۵٪) در بحر رمل و ۲۳ قصیده (۱۱٪) در بحر هزج سروده شده‌اند. رشید به جز این اوزان آرام و سنگین، در بحر دیگر نیز طبع آزمایی کرده است؛ از جمله ۳۲ قصیده (۱۵٪) در بحر خفیف که متناسب مضامین بزمی و بیان معارف و حقایق و حکمت-ها است؛ ۱۴ قصیده (۶٪) در بحر متقارب که وزنی است حماسی و متناسب با فخرفروشی و مفاخره؛ ۴ قصیده (۲٪) در بحر منسرح که بحری است شورانگیز و پر جذبه، تند و پرضرب. هر چند انتخاب اوزان عروضی نمیتواند کاملاً آگاهانه باشد و چنانچه گفته‌اند محتوای شعر با وزنش به شاعر الهام میشود (وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار: ۶۱) اما با توجه به بسامد بالای وزنهای حزن‌انگیز شعر رشید می‌تواند گفت وی در این زمینه بین محتوا و وزن شعرش هماهنگی ایجاد کرده است. انتخاب اوزان سنگین و آرام در قصاید وی هم دلالت بر تلخکامی‌های شخصی شاعر مانند دوری و فراق از یار، حسادت و سعایت دیگر درباریان نسبت به وی دارد و هم میتواند به ظن قویتر برخاسته از عوامل اجتماعی عصر شاعر باشد که وی را همانند دیگر شاعران همعصرش مانند خاقانی، جمال الدین اصفهانی، سنایی به شکوایه از ناملایمات دوران میپردازند.

ب- موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

رشید به قافیه و ردیف در شعر خود اهمیت زیادی داده و از این عوامل موسیقایی برای اثرگذاری بیشتر شعرش استفاده کرده است. از ۲۰۹ قصیده او ۷۰ مورد یعنی حدود ۳۳ درصد مردف هستند. ردیفهای شعر او بیشتر فعلی است و از میان افعال هم به فعلهای کمکی و معین بیشتر نظر دارد. برای نمونه فعل «است» و ترکیباتش در ۱۹ قصیده متوالی

ردیف قرار گرفته است. یکی از نکات قابل توجه و جالب در دیوان رشید علاقه وی به ردیف‌سازی با عناصر چهارگانه است که گاه یک عنصر مانند «آب در قصیده ۲۰»، «آتش در قصیده ۱۱۴» و «خاک در قصیده ۱۲۶» ردیف قرار گرفته و گاهی ترکیبی از دو عنصر مانند «آتش و آب» در قصاید ۲۱ و ۲۲:

تویی که تیغ تو را شد مسخر آتش و آب فگند هیبت تو زلزله در آتش و آب
(دیوان رشید: ۶۴)

از مهارت‌های وی در استفاده از جنبه موسیقایی قافیه، سرودن قصیده‌ایست که در محور عمودی ابیات آن واژه‌هایی قافیه از جناس تام برخوردارند.

نهاده‌ست در ذات تو کردگار وفور مروت کمال صفا
ازین روی بر زائران صدر تو گرمی‌ست چون مروه و چون صفا
(همان: ۳۰)

همچنین رشید در کاربرد صنعت «ردالقافیه» دستی توانا داشته و هر جا که توانسته قافیه مصراع نخست را در مصراع چهارم تکرار کرده است. برای نمونه می‌توان قصاید «۴، ۵، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۹ و غیره» را ذکر کرد.

چون علاء دولت و دین در وغا خنجر کشد رایت اعزاز حق بر گنبد اخضر کشد
تا بود زین‌سان هلاک خصم او، از آفتاب هم سپر گیرد به کف گردون و هم خنجر کشد
(همان: ۱۳۲)

پ- موسیقی درونی:

- تکرار

رشید وطواط توانایی تحسین‌برانگیزی در کاربرد واژه‌ها به‌عنوان مهمترین ابزار ساخت موسیقی شعر دارد. یکی از شگردهای وی در این مورد استفاده از تکرار واژه‌ها، برای افزایش موسیقی کلام و توسعه و القای بهتر معنی است. «تکرار در زیبایی‌شناسی هنر از مسائل اساسی است. صداهاى غیر موسیقایی و نامنظم که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میشود» (سبک‌شناسی، شمیسا: ۸۲). رشید تکرار را در هم در سطح تکرار حروف و هم به صورت تکرار واژه به کار برده است. نکته قابل ذکر این است که گاه این تکرارها تابع نظم خاصی است که به صورت «اعنات، موازنه، ردالصدر و...» نمود می‌یابد و گاه به صورت آزاد است که نمونه برجسته آن را در انواع جناس میتوان دید.

در چشم من ز نور لقای تو روشنی‌ست مصروف باد چشم بد از نور آن لقا
کارم همه محمدمت بارگاه توست ای بارگاه تو به همه محمدمت سزا
(دیوان رشید: ۳۲)

بسی روزی کناد ایزد ترا با بندگان تو چنین ماه و چنین سال و چنین روز و چنین آلا
(همان: ۲۳)

- جناس

جناس آن است که گوینده یا نویسنده در سخن خود، کلمات هم‌جنس بیاورد که در ظاهر به یکدیگر شبیه و در معنی مختلف باشند (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ۴۸). رشیدالدین وطواط متناسب با سلیقه روزگار خویش، معمولاً در اغلب ابیات قصایدش از انواع جناس بهره برده است.

به فضل نائب حا میم و وارث طاها	به طبع طابع طاسین و حامل یاسین
تنش مذکر تذکیر ذکر «او ادنا»	دلش مدرس تدریس حکمت ادریس
(دیوان رشید: ۳۵)	
مرا دلیست شده ممتحن بدست محن	مرا تنیست شده مبتلا بدست بلا
(همان: ۳۵۵)	
ز آسمان خواندن نیفتد این خطاب تو خطا	برزمین چون روزی خلقان رساند جود تو
(همان: ۹)	

- واج‌آرایی

صنایعی که در حوزه بدیع لفظی کاربرد دارد در واقع گونه‌های مختلفی از تکرار و واج‌آرایی است و وجه مشترک همه آنها چیزی جز تکرار واکها نیست. یکی دیگر از عرصه‌های لفظ پردازی رشید توأمان کردن صنعت جناس و واج‌آرایی است. وی واژه‌هایی را به کار میبرد که همه یا بیشتر واکهای آن با هم مشترکند اما مفاهیم آنها گوناگون است.

نه یک شاهی که صد شمسی همه رخشنده در مجلس
 نه یک شخصی که صد جیشی همه جوشنده در هیجا (همان: ۲۲)

به فضل نائب حا میم و وارث طاها	به طبع طابع طاسین و حامل یاسین
تنش مذکر تذکیر ذکر «او ادنا»	دلش مدرس تدریس حکمت ادریس
(همان: ۲۵)	
ز ساقیان سمن ساعدین و سیمین ساق	بگیر آخر، یک باده، بی هزار مصاف
(همان: ۳۰۰)	

۲-۱-۴- سطح لغوی:

در این سطح به نوع کلمات، میزان کاربرد و بسامد واژگانی متن ادبی پرداخته میشود که جایگاه ویژه‌ای در تعیین سبک شخصی و نیز سبک دوره‌ای متون دارد. آنچه در این سطح در قصاید رشید حائز اهمیت است، بسامد واژگان عربی، واژه‌سازی و کاربرد لغات مهجور است.

الف- واژگان عربی

یکی از وجوهی که شاعران و نویسندگان برجسته را از دیگران متمایز و برتر میکند توان و استعداد شگرف آنها در کاربرد واژه‌ها و ترکیبات زبان خود و حتی دیگر زبانها در آثارشان است. رشید وطواط ادیبی لغوی بود که در علم صرف و نحو سرآمد عصر خود محسوب میشد و بلاغت‌دانی بود که شعر و ادبیات فارسی و عربی را به خوبی میدانست. با نگاهی گذرا به قصاید رشید میتوان نتیجه گرفت که تقریباً قصیده‌ای نیست که در قافیه‌سازی آن از لغات عربی کمک نگرفته باشد. واژه‌های عربی رشید بیشتر عبارات و ترکیبهای معروف و پرکاربرد عربی هستند. ترکیباتی مانند: کلب‌الروم / دهر بوالفضول / چرخ بوالعجب / ناظر الریاض / عالی‌الرتب و ... در قصیده شماره (۱۳) نمونه‌ای از این دست عبارات عربی است. بسیاری از این ترکیبات نام، کنیه یا لقب افراد است و کاربردشان در قالب خشک قصیده‌های مدحی دور از انتظار نبوده است: مالک‌القلوب / مالک‌الرقاب / والی‌القلوب / ابدالدهر / ابوالفتوح / ثقه‌الدین / جمال‌الملک / شمس‌الدین / نصره‌الدین / ابوالمظفر / علاء‌الدین و الدنيا / قطب‌الدین / شرف‌الدین / ضیاء‌الدین / کمال‌الدین برخی از این ترکیبات عربی نیز از متن قرآن گرفته شده و به شیوه تلمیح به کار رفته‌اند:

به حضرت تو تقرب کنند اهل هنر که هست حضرت تو عین عروه‌الوثقا
(همان: ۲۶)

ترکیبات عربی رشید گاهی جمله‌ای کوتاه است که بخشی از یک مصراع را دربرمیگیرد و گاهی به شیوه اشعار ملّمع، تمامی یک مصراع عربی میشود. به ترتیب نمونه‌هایی برای هر دو مورد ذکر میکنیم.

تو عین صوابی «علی من اطاع» تو محض عقابی «علی من عصا»
تو را باد اقبال در «ما بقی!» فزون ز آنچه بودست در «ما مضاً»
(همان: ۳۰)

حاشا که گویمت چو تو خصمت کجا بود «سیف من الحديد کسيف من الخشب»؟
اولی تری بمجد و معالی ز کل خلق «کالنمل بالورائۀ و الجار بالعصب»
(همان: ۴۰)

در برخی از ابیات رشید تنها یکی دو واژه کوچک فارسی به کار رفته و سراسر بیت از کلمات عربی مشحون است. مانند بیت زیر که فقط دو حرف اضافه و یک ضمیر فارسی دارد و مابقی تماماً عربی‌ست.

از حادثات حضرت محروس تو مآل وز نایبات مجلس مأنوس تو مآب
(همان: ۵۱)

لذا میتوان از بسامد بالای لغات عربی در دیوان رشید چنین استنباط کرد که وی به یکی از ملزومات عصر خویش که عربی‌دانی است واقف است و در صدد است مهارت و تسلط خویش را در این زمینه آشکار کند.

ب- واژه‌سازی

«زبان فارسی در میان زبانهای جهان، به لحاظ امکان ساختن ترکیب، چنانکه زبان-شناسان میگویند، در ردیف نیرومندترین و با استعدادترین زبانهاست...» (شاعر آینه‌ها، شفیع کدکنی: ۶۴). کاربرد واژه‌های مرکب نیز در دیوان رشید دیده میشود ولی در مقابل واژه‌های ساده نسبت کمی دارند. صفت‌های مرکب او نیز اغلب عربی‌ست و صفات مرکب فارسی بسامد کمتری نسبت به عربی دارند. وطواط بیشتر واژه‌های مرکبش را در قالب صفاتی به کار میگیرد که از اضافه شدن ریشه مضارع به اسم یا صفت ساخته میشوند.

خسرو ملک‌بخش کشورگیر که ز خلقش بعدل نیست نظیر
بدسگال تو زمین گشتست و تیغت آسمان (دیوان رشید: ۲۷۷)

بر زمین از آسمان دایم همی بارد بلا
(همان: ۱۲)

چون کام مار حربگه و چون زبان او لرزان به دست مرد محارب درون حراب
(همان: ۵۳)

رشید با افزودن پیشوندها و پسوندها واژه‌های اشتقاقی بدیعی ساخته است. از میان وندهای متعدد زبان فارسی، وندهای «وار، نا و گون» بیش از همه برای ساخت‌های بدیع کلمات مورد استفاده وی قرار گرفته‌اند.

بی‌اعتقادوار کنند از برای مال با جاهلان تطف و با فاضلان ستم
(همان: ۳۲۷)

خراس‌وار همی‌گردد و همی‌دارد ستوروار مرا بر امید آب و گیا
(همان: ۲۴)

نوش‌وار، مسخروار، خورشیدوار، گوشوار، شاهوار و بسیاری واژه‌های دیگر با این پسوند ترکیب شده‌اند.

آفاق شود تاریک، چون سینه نامؤمن خورشید شود تیره چون دیده نابینا
(همان: ۱۸)

گرفت دامن من هجر، ناب‌آورده هنوز سر ز گریبان وصل دوست تمام
(همان: ۳۴۱)

واژه‌سازیهای رشید علاوه بر این که بر وسعت اطلاع او بر امکانات زبان فارسی دارد، بلکه توانسته است شعر وی را از یکنواختی و تکرار خارج کند و به نظر نگارندگان مقاله حاضر واژه‌سازی یکی از رموز نام‌آوری شاعر در عصرش بوده است.

۳-۱-۴- سطح نحوی:

«سطح نحوی» یا «سبک‌شناسی جمله» بررسی جمله از نظر محور همنشینی و دقت در ساختهای غیرمتعارف، کوتاه و یا بلند بودن جملات، کاربردهای کهن دستوری از قبیل آوردن انواع یاء، آوردن دو حرف اضافه در پس و پیش متمم، مفعول و علامت آن، صرفه-جویی در آوردن را، وجوه کهن افعال، افعال پیشوندی، کاربردهای خاص ضمائر، صرف افعال کهن و غیره است (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ۲۱۹).

الف- آوردن یاء (تمنی، گزارش خواب، بیان شرط)

در آثار منظوم و منثور زبان فارسی از قرن سوم تا حدود قرن هفتم و هشتم هجری عموماً چون فعل در یکی از وجه‌های شرطی، التزامی و تمنایی به کار رفته‌باشد، پس از ضمائر متصل فاعلی (= شناسه‌ی فعل: مَ، اِی، اَی، اَیْم، اَیْد، اَند) یک «ی» افزوده شده‌است. این «ی» در تمام شش شخص فعل (اول شخص، دوم شخص، و سوم شخص اعم از مفرد و جمع) بی‌استثنا به کار رفته‌است، با این تفاوت که استعمال آن در سوم شخص مفرد و جمع متداول‌تر بوده‌است. در جمله‌های انشائی که ترجی و تمنی را باشند نیز یاء مانند جمله‌های شرطی به آخر فعل ملحق گردد.

کاشکی من نیز همچون دیگران هستمی اندر پناه آل ظلال

(دیوان رشید: ۳۱۰)

گر بودمی بعهد سلف گشتی آوازه همه قدما باطل

(همان: ۳۰۹)

از این خراس خلاصی اگر بیافتمی رسیدمی بقوام و علاء، مسیح آسا

(همان: ۲۴)

ب- دو حرف اضافه، علامت مر مفعولی

به راغ اندر بنفشه شد چو قد بی‌دلان چفته به باغ اندر شکوفا شد چو خد دلبران زیبا

(همان: ۲۰)

کف تو جود را بایسته همچون نور انجم را دل تو فضل را شایسته همچون جان مر اعضا را

(همان: ۳۱)

پ- فعل مضارع بدون «می» و «ب»

چون به حرب آیی ز خون حلق و روی خصم تو آسمان پر ارغوان گردد، زمین پر کهریا

(همان: ۱۳)

در دهر به تو یازد هم دولت و هم نعمت در حشر به تو نازد هم آدم و هم حوّا
(همان: ۱۹)

ت- فعل امر بدون «ب»

در عید باده خور تو بشادی، که خواهی بدخواه را نهیب تویی خواب و
خور کند (همان: ۴۷۹)
گه می ناز و شادمانی نوش گه گل عز و کامرانی چین
(همان: ۴۱۱)

ث - استفاده از «همی»: پس از فعل یا با فاصله پیش از آن

ز آسمان تیغ تو بارد همی فتح و ظفر در زمین ملک تو روید گیاهی کیمیا
(همان: ۱۲)
همی تا در چمن گردد زبان بگشوده سوسن را همی تا بر فلک باشد میان برسته جوزا را
(همان: ۳۲)

ج- رقص ضمیر

سودیست مهر تو که نبیند کسش زیان دردیست کین تو که نیابد کسش دوا
(همان: ۵)
تا روزگارم از کنف تو جدا فکند بودستم از همه ثمرات طرب جدا
(همان: ۷)

ح- استعمال افعال دعائی به شیوه کهن

بر زمین بادت ظفر تا بر سماء تابد نجوم آسمان بادت رهی، تا بر زمین روید گیا
(همان: ۱۳)
فرخنده کناد ایزد بر ذات کریم تو این ماه مکرم را، وین نعمت و آلا را
(همان: ۲۰)

مجموع موارد بررسی شده در سطح نحوی قصاید رشید بر این نکته دلالت دارد که وی با آنکه از شعرای سده ششم هجری است لیکن از نظر نحوی همچنان ویژگیهای اوایل سبک خراسانی (سامانی‌ها و غزنویان) را حفظ کرده است و این مسئله نشان میدهد هر چند شعر فارسی در عصر وی دوره بلوغ بلاغی خویش را سپری کرده است لیکن زبان همچنان سادگی و وضوح خود را حفظ کرده است.

۲-۴- سطح ادبی

در سطح ادبی مباحث مربوط به بدیع معنوی مانند ایهام و تضاد و نیز مسائل حوزه علم بیان مانند تشبیه و استعاره و کنایه واکاوی میشود. هر چقدر خلاقیت‌های هنری و ادبی شاعری بیشتر باشد به همان میزان سبک او نیز شاخص‌تر میشود.

۱-۲-۴- بیان

الف- تشبیه

رشید خود در حدائق السحر تشبیه را اینگونه تعریف کرده است: «دبیر یا شاعر چیزی به چیزی مانده کند در صفتی از صفات و اهل لغت آن چیزی را کی مانده کنند مشبه خوانند و آن را کی بدو مانده کنند مشبه‌به خوانند» (حدائق السحر، وطواط: ۴۲). رشید در حدائق السحر هفت نوع تشبیه را ذکر کرده است: تشبیه مطلق، مشروط، کنایت، تسویت، عکس، اضمار، تفضیل (همان) وی خود در قصایدش از این تشبیهات استفاده کرده است. (همان). انواع تشبیه در شعر رشید به لحاظ ساختار بیرونی (صوری) بدینگونه است:

-تشبیه مطلق یا مفصل: «به تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد، تشبیه مفصل میگویند» (بیان، شمیسا: ۷۰) این نوع تشبیهات در دیوان رشید و به ویژه در تغزلهای او از بسامد بالایی برخوردار است. از ویژگیهای حائز اهمیت در این نوع تشبیه استفاده از مشبه-به‌های تلمیحی است:

رویم از چین چو بندگان قبا است پشتم از خم چو حلقه کمر است

(دیوان رشید: ۲۲۲)

شعاع برق گویی شد دم عیسی بن مریم که چشم اکمه نرگس کند بر بوستان بینا

(همان: ۲۱)

-تشبه تفضیل: آن است که «مشبه را به چیزی تشبیه کنند و سپس از گفته خود عدول کرده کرده، مشبه را بر مشبه به ترجیح دهند» (بیان، شمیسا: ۱۳۷).

چرخ و ماهی، نه، نیستی تو، از آنک نیست این هر دو را قوام و قرار

(همان: ۲۲۳)

-تشبیه مشروط: آن است که «شباهت بین مشبه و مشبه به در گروه شرطی است که آن را ذکر میکنند» (بیان، شمیسا: ۱۳۷)

ماهی، از ماه نآورد کاهش چرخ، ار چرخ نشکند زنه‌ار

(همان: ۲۲۳)

-تشبیه اضمار: آن است که «سخنور به راستی تشبیهی را در سخن خود آورده باشد، اما ساخت تشبیه، آشکارا در سخن به کار گرفته نشده باشد، آنچنان که گویی خواست او تشبیه نبوده است» (زیباشناسی سخن پارسی، بیان، کزازی: ۷۶) این نوع تشبیه در دیوان رشید بسامد بالایی دارد. این نوع تشبیه در اشعار او غالباً حالت سوالی دارد و تجاهل العارفها صورتی از این نوع تشبیه است.

گر تو چرخ‌ی عدو را چراست نگون؟ ور تو ماهی عدو چرا نزار؟
(همان: ۲۲۳)

- **تشبیه تسویه** «برای چند مشبه، یک مشبه به بیاورند؛ یعنی، آن چند مشبه را به لحاظ حکمی (وجه شبه) یکسان و مساوی در نظر گیرند» (بیان، شمیسا: ۱۳۲).

جای خصمت چو جای تست رفیع زان تو تخت و آن خصمت دار
(همان: ۲۲۳)

- **تشبیه کنایه** «این صنعت چنان باشد که از مشبه کنایت کنند بالفعل مشبه به بی ادات تشبیه» (حدائق السحر، رشید و طواط: ۴۵)

از ماه و آفتاب بی تو که نیستند با دو عقیق همچو شکر ماه و آفتاب
(همان: ۵۹)

- **تشبیه عکس یا مقلوب**: این نوع تشبیه خود به دو صورت است. نوع اول آن است که «نخست مشبه را به مشبه‌بھی تشبیه کنند و سپس جای مشبه‌به و مشبه را عوض کنند یعنی، مشبه به را در حکم مشبه و مشبه را در حکم مشبه به گیرند» (بیان، شمیسا، ۱۳۳) و در نوع دوم گاهی به جهت مبالغه یا به سبب تناسی، مشبه‌به بر مشبه مانند می‌شود، بالنتیجه در تشبیه مقلوب یا معکوس مشبه را مشبه به قرار می‌دهند، به ادعای اینکه وجه شبه در آن نیرومندتر است» (معانی و بیان، تجلیل: ۵۵-۵۶)

شام گردد چو صبح زرد لباس صبح گردد چو شام تیره شعار
(دیوان رشید: ۲۲۳)

بی تردید وجود انواع مختلف تشبیهات در قصاید رشید دلالت بر شناخت وی از مقتضیات ادبی عصر خویش است که در آن دوره هنرمندان میکوشیدند شاهد معنی را در حجاب بلاغت هنری خویش پنهان کنند تا خواننده با کشف آن معنای نهفته به اوج التذاذ ادبی برسد. از این روی او نیز کوشیده است از این قافله هنرنمایی جا نماند. هر چند که ممکن است تشبیهات وی ارزش ادبی چندانی نداشته باشد.

ب- استعاره:

هر چند دل را به ستم گوش گرفتند جایی کشد اندوه تو کز فتنه نشان است
(همان: ۱۰۲)

تویی که گردن ایام و گوش گیتی را جواهر کرم تو بهینه زیور شد
(همان: ۱۲۹)

گوش زمانه امر ترا بوده مستمع چشم سپهر ملک ترا کرده انتظار
(همان: ۲۱۰)

استعارات رشید وطواط غالباً از نوع اضافه استعاری و استعارات قریب و آسان فهم بوده است و استعارات بعید و هنرمندانه و جامع در شعر وی مشاهده نمیشود.

پ- کنایه:

در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند، پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و بکار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد. (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ۱۶۷)

جانا فکنده ام ز غم تو سپر بر آب و ز اشک دیده ساخته ام مستقر در آب

(دیوان رشید: ۶۱)

که گشت یارد منکر بلند قدر ترا؟ بگل فروزان خورشید را که انداید؟

(همان: ۱۶۷)

مبارزان ز پی کرّ و فرّ به معرکه در سبک کنند عنان و گران کنند رکاب

(همان: ۴۴)

همانطور که از ابیات فوق پیداست، بیشتر کنایات رشید از نوع ایماست که فهم آن دشوار نیست. وفور این نوع کنایات در شعر رشید دلالت بر این دارد که شعر فارسی هنوز به تمام معنا از ویژگیهای سبک خراسانی جدا نشده است و میکوشد در عین ساختن تصاویر زیبایی بلاغی، پایبند صورت ساده زبان نیز باشد.

۲-۲-۴- بدیع معنوی

الف- تناسب (مراعات النظیر)

بعرش و کرسی و حوض و صراط و لوح و قلم
بقدس و کعبه و جودی و یثرب و عرفات

بحشر و نشر و بقا و لقا و حور و قصور
بصوره انجیل و بحرفهای زبور

(همان: ۲۶۹)

وقت است اگر دراز کنی بر زمانه پای زیرا که چشم بد ز تو کوتاه کرد دست

(همان: ۷۵)

رشید به حدی در این صنعت استاد بوده که توانسته در قصایدی تمامی مصراعها و ابیات را مشحون از تناسب کند و به کلی اساس شعر را بر پایه تناسب قرار دهد. مانند قصیده‌ای با مطلع زیر که افزون بر تناسب در تمامی ابیات آن لف و نشر را رعایت کرده است.

ببرد از من بناگاهان هوای مهر آن دلبر نشاط از جان قرار از دل توان از تن خرد از سر

(همان: ۱۶۸)

ب- تلمیح

رشید نیز با بهره‌گیری از تلمیح توانسته است که از مضامین و پیامهای مورد نظر خود را با پیوند زدن به داستانها، وقایع تاریخی و اسطوره‌ای و احادیث و ... بیان کند. داستانها و حکایات و حتی معجزاتی چون بینا کردن نابینایان توسط حضرت عیسی، سخن گفتن عیسی در گهواره، ید بیضای موسی و همچنین عصای وی و عباداتش در کوه طور، داستانهای موسی و هارون، فرمانروایی سلیمان بر جن و انس، سخن گفتن سلیمان با مور، شفای چشم یعقوب با پیراهن یوسف، حکایت زیبایی یوسف و عشق زلیخا به او، ماجرای سد اسکندر و یاجوج و مأجوج و بسیاری دیگر از منابع مذهبی دست‌مایه هنرپردازی و طوطا شده و سرچشمه‌ای برای بیان تلمیح گشته‌اند.

ترا چون عیسی مریم بهر کاری دم معجز ترا چون موسی عمران بهر بایی ید بیضا

(دیوان رشید: ۲۷)

چه باک از آتش و آبت؟ که چون خلیل و کلیم ترا شدند مطیع و مسخر آتش و آب

(همان: ۶۴)

حسام تو در دفع یاجوج مرگ جهان را به از سد اسکندرست

(همان: ۹۲)

رشید از داستانهای حماسی و پهلوانی شاهنامه و همچنین از ادبیات غنایی و حکایات عاشقانه نیز غافل نگشته و هر جا که مجالی یافته اشاره‌ای به آنها داشته است. برای نمونه آنجا که می‌خواهد در حق دشمنان ممدوحش دعایی ابدی کند، با گوشه‌ی چشمی به داستانی عاشقانه می‌سراید:

تا بعشق و بحسن مشهورند نام فرهاد و قصه شیرین

باد در خون، عدوی تو غرقه باد در خاک، دشمن تو دفین

(همان: ۴۱۱)

هرجا که سخن از شجاعت و دلیری ممدوح خویش به میان می‌آورد، مدحش را به حماسه‌های ملی و به‌ویژه رستم دستان گره می‌زند و ممدوح خویش را به رستم مانند می‌کند و حتی از او نیز برتر میداند و برای بخشندگی و گشاده‌دستی ممدوحش از حاتم طایی سخن میراند.

هستی هزار حاتم طایی بوقت جود هستی هزار رستم سگری بروز جنگ

(همان: ۳۰۴)

کمینه بنده من هست در صف هیجا هزار بیژن گیو و هزار رستم زال

(همان: ۳۲۰)

پ- اغراق

اغراق بیشتر در حماسه کاربرد دارد و جزو ذات این نوع شعرست که آثار حماسی را شوانگیز و مؤثر می‌کند. با این وجود، شاعران مداح و از جمله رشید وطواط نیز از این صنعت بسیار سود برده‌اند.

بحر محیط پیش بنان تو چون شمر	بدر منیر پیش سنان تا چون سها
(دیوان رشید: ۷)	
گردی که بر هوا شود از سُم مرکبت	در چشم اختران کشدش چرخ توتیا
(همان: ۱۵)	
از فتنه سیاست او چرخ در هراس	وز حمله مهابت او دهر در هراب
(همان: ۴۰)	

ت- حسن تعلیل

رشید وطواط در حدایق السحر مینویسد: «این صنعت چنان باشد کی شاعر در بیت دو صفت یاد کند یکی به علت دیگری و غرض او خود یاد کردن آن دو صفت بود، اما برین اسلوب آن دو صفت را یاد کند تا زیباتر و بدیعت‌تر بود... این اسلوب سخت مستعمل است و در تازی و پارسی بسیار است (وطواط: ۸۴). خود نیز به وفور از این صنعت بهره برده است. بر دست تو سپهر ز بیداد توبه کرد و انگه نشان تو برو جامه کبود (دیوان رشید: ۱۶۰)

صبح از آن تیغ می‌کشد هر روز	تا کند سینه عدوش فگار
(همان: ۲۳۶)	
زان گرفتست آسمان جرم زمین را در کنار	تا مصون دارد ز آفت عرصه ملک ترا
(همان: ۱۳)	

۳-۴- سطح فکری

نوع مضامینی که هر شاعر یا نویسنده به کار میبرد از یک طرف میتواند برخاسته از تمایلات درونی و ویژگیهای فردی او باشد و از طرف دیگر میتواند انعکاسی از اوضاع و احوال زمانه او باشد. در قصاید رشید مضامین عاشقانه (چون شکایت از معشوق، فراق یار، توصیف جمال وی)، مضامین حکمی و پند و اندرز، مضامین فلسفی، مدح و مرثیه، فخر و مباهات مشاهده میشود.

۱-۳-۴- مضامین عاشقانه

یکی از مضامین رایج عاشقانه در اشعار این دوره، شکایت از فراق و جدایی از محبوب است. شکایتهای و گله‌های عاشقانه رشید نیز بیشتر از فراق یار و جفای اوست. با این وجود،

رشید هیچگاه زبان به سرزنش معشوق یا اهانت به وی نگشوده و همه جا خود را در مقابل بار متواضع و محتاج نشان داده است.

کنی هزار جفا بر دلم به یک ساعت ز روی خوب نباشد چنین جفاها خوب
(همان: ۶۹)

صد کوه جفای تو کشیدم یک ذره ندیمت پشیمان
(همان: ۳۸۰)

از این روی رشید مرگ را به زندگی دور از محبوب ترجیح می‌دهد و می‌گوید که تا از درگاه محبوب دور است هیچ نصیبی از بخت و دولت نمیرد.

بظاهر من از زندگانم و لیک مرا مرگ ازین زندگی خوشترست
چو ماندستم از حضرت تو جدا مرا زندگانی چه اندر خورست؟
(همان: ۹۳)

زار و زرم ز درد دوری او درد دلـــــــــــــــــدار زرد دارد و زار
(همان: ۲۲۷)

از موارد دیگری که شاعر را به گله و شکایت از معشوق میکشاند نیاز عاشق و بی‌نیازی معشوق به وی است

وز آرزوی آن لب چون انگبین تو چون موم مانده ام ز تف سینه در گداز
ما را نیاز روی تو بی آبروی کرد کس را مباد نیز بروی بتان نیاز
(همان: ۲۸۱)

توصیف جمال معشوق نیز از مضامین رایج عاشقانه است. رشید استاد توصیف است و در تغزلهایش وصفهای زیبایی از جمال معشوق می‌بینیم. بیشتر این توصیفات با تشبیه همراه است و بسیاری از این توصیفات به سنت ادبی تبدیل شده‌اند.

قرار از دل من ربود آن نگار بدان عنبرین طره بی‌قرار
(همان: ۲۴۳)

بچشم تو همه سحرست و دلبری مقرون بروی تو همه لطفست و نیکویی منسوب
(همان: ۶۹)

همچنین، فروتنی عاشق در برابر معشوق نیز مضمونی پرکاربرد در بین شاعران سده ششم از جمله انوری است.

هستم غلام باد، که هر صبح دم مرا آرد نسیم طره تو، ای نگار، باد
(همان: ۱۲۰)

۲-۳-۴- مضامین اخلاقی و اجتماعی

توصیه به نیکویی و بخشنندگی، دعوت به صبر و قناعت، تزکیه نفس و صفای باطن از

مضامین اخلاقی و اجتماعی پر کاربرد قصاید رشید است. در این زمینه وی حتی از نصیحت ممدوح خویش فروگذار نبوده است

نیکویی کن شها، که در عالم	نام شاهان بنیکویی سمرست
بد نشاید، که در برابر بد	هم بد روز حشر منتظرست

(همان: ۹۴)

وی میکوشد خود و دیگران را به پذیرش تقدیر و رضای الهی قانع سازد:

من قانعم هر آنچه رساند به من فلک	در هیچ حال مرا نیست با فلک حساب
در پیش لعبتان دو دیده به دست شرم	سازم ز طیلسان قناعت همی نقاب

(همان: ۵۷)

و توصیه میکند تنها تزکیه نفس و صفای باطن است که انسان را به بزرگی و عزت میرساند:

بساز توشه تقوا ز بهر راه که تو	رسی ز توشه تقوا به منزل آلا
--------------------------------	-----------------------------

(همان: ۲۴)

مردم ز بهر کسب معالی کشد عنا	سگ باشد آن که دل بغم استخوان دهد
------------------------------	----------------------------------

(همان: ۱۶۴)

۳-۳-۴- مضامین فلسفی و کلامی

مجموع اشعار رشید مضامین فلسفی و کلامی ویژه‌ای ترویج نمیدهد و بر مسائل ساده‌ای چون دون‌پروری روزگار، گذرا بودن جهان و اغتنام فرصت، تقابل عقل و عشق، جبر و اختیار و غیره اشاره دارد. برای نمونه وی در ابیاتی اندوه خویش از سفله پروری روزگار را چنین شرح میدهد:

فریاد از این جهان! که خردمند را ازو	بهره بجز نوایب و احزان نمیرسد
جهال در تنعم و ارباب فضل را	بی‌صد هزار غصه یکی نان نمیرسد
دانا بمانده در غم تدبیر نیک و بد	یک ذره غم به خاطر نادان نمیرسد
جاهل بمسند اندر و عالم برون در	جوید بحیله راه و بدربان نمیرسد

(همان: ۱۲۵)

با این حال وی با اشاره به ناپایدار بودن جهان و عمر، آدمی را به خوش‌باشی و بهره‌گیری از فرصتهایش فرا میخواند.

در عهد شباب ده شرابی	کین عمر سرابی و شتابی‌ست
----------------------	--------------------------

(همان: ۱۱۰)

شهریارا، زمانه می‌گذرد	مگذر و بگذران زمانه بکام
داد بستان تو از جهان طرب	که جهان بر کسی نماند مدام

(همان: ۳۴۰)

از این روی، وی گاهی مخاطب خویش را به شراب نوشی فرامیخواند که غم‌زدای است
و تسکینی است بر آلام و رنجهای آدمی

هر چه جز معشوق و می از آن کران باید گرفت

با غم جانان سبک رطل گران باید گرفت

(همان: ۱۱۵)

هوا تیره‌ست، آن بهتر که گیری باده روشن

ز دست لعبت مهروی مشکین‌موی سیمین‌تن

(همان: ۳۶۵)

به طور کلی میتوان گفت، قصاید وطواط بیشتر بر محور مدح استوار است و از نظر
آموزه‌های حکمی و مسائل علم کلام آنچنان پرورده نیست. با این وجود رشید نیز گهگاه
ابیاتی میسراید که برخی از این نکات کلامی را در خود دارد. برای نمونه وی نیز همانند
دیگر شاعران به تنازع عقل و عشق اشاره‌های کوتاهی دارد و این دو را همانند دو پادشاهی
میبیند که در یک اقلیم نمیکنند و البته که برتری با عشق است و هر جا که عشق قدم
نهد عقل جای خالی میکند.

عشق اصلیت، کز متابعش

عقل غمگین بود، روان غم خوار

(همان: ۲۲۶)

یکی از بحث‌برانگیزترین بحث‌های کلامی مسأله جبر و اختیار است که ریشه تاریخی
بسیار قدیم دارد و اغلب فلاسفه، عرفا، شعرا و دیگران در گفته‌ها و اندیشه‌های خود به
جلوه‌های گوناگون آن پرداخته‌اند. رشید نیز به مقتضای مداحی خود تک‌بیت‌های در
قصایدش دارد که البته بیشتر از ناتوانی خود در مقابل سرنوشت محتوم سخن میگوید یا
برای مبالغه در مدح قدرت ممدوح، وی را با قضا و قدر و قدرت مسلم سرنوشت مقایسه
میکند.

نکوست حال،م، ورنیز بد بود چه کنم

نه نقض حکم الهی به دست بنده درست

من از فلک چه شکایت کنم چو معلوم است

که هر چه نیک و بد است از قضا و قدرست

(همان: ۹۲)

مثلست اینک: بی‌بصر گردند

با نـزول قضا اولوالابصار

(همان: ۲۱۹)

یکی از مواردی که در دیوان رشید بسیار یافت میشود درد دلها و ناله‌های وی از بخت
و روزگار خویش است. وی که به گواه تاریخ مدتی مورد غضب اتسز و حتی جانشینان اتسز
قرار گرفته بود، هر جا فرصتی مییابد از بداقبالی خود و سرنوشت تاریکش شکوه سرمیدهد.

تا کی کند حوادث گیتی مرا طلب؟

کز دست آن طلب شدم آواره طرب

گه مالدم بعربدها دهر بوالفضول

گه بنددم بشعبدها چرخ بوالعجب

(همان: ۳۹)

تنم در آب دو دیده شود فسرده و لیک دلم در آتش اندوه در گداز آید
(همان: ۱۶۹)

۴-۳-۴- مدح و مرثیه:

قصاید مدحی بخش بزرگی از دیوان وطواط را اشغال کرده است. اغلب قصاید مدحی وی در مدح اتسز خوارزمشاه است. رشید در قصیده‌ای ضمن مفاخره به ابیات مدحی خود، از سرایش شش هزار بیت در مدح اتسز سخن میراند:

این شش هزار بیت که بگفتم بمدح تو از شش هزار عقد جواهر ببرد آب
(همان: ۵۸)

رشید در مدح اتسز بسیار مبالغه روا داشته و صفات و اعمالی به او نسبت می‌دهد که گاهی در عقل نمیگنجد. گاهی در میان این مدایح، اتسز را محبوب خویش میدانند و عاشقانه از دوری وی ناله سر میدهد و هجرانیه میسراید:

چه حيله سازم كز من گسست يار سلام چه چاره ورزم كز من برید دوست پیام
گرفت دامن من هجر، نابرا آورده هنوز سر ز گریبان وصل دوست تمام
(همان: ۳۴۱)

ای خدمت تو گشته پیرایه هر عاقل وی مدحت تو گشته سرمایه هر دانا
(همان: ۱۹)

توئی کلّ و چو اجزایند شاهان بنی‌آدم به آخر سوی کل خویش باشد مرجع اجزا
(همان: ۲۳)

رشید قاطع بودن امر سرنوشت و قادر بودن قضا و قدر را هم به خدمت مدح ممدوح درآورده و درین مقایسه به محتوم بودن تقدیر تاکید میکند و البته که امر ممدوح را برتر از قضا و قدر میدانند:

دست همان دهد که زمین و زمان دهد تیغت همان کند که قضا و قدر کند
(همان: ۱۴۱)

بث‌الشکواه‌ای رشیدالدین از مراثنی وی بیشتر و مهم‌ترند. وی در لابلای مدایح خود از دشمنان، حاسدان، یاران، روزگار و زمانه و حتی از بزرگترین ممدوح خود اتسز خوارزمشاه نالیده است.

خدايگانا من بنده را ز قهر عدو همی بسوزد جان و همی بکاهد تن
سیاه گشت مرا خاطر چو بدر منیر خمیده گشت مرا قامت چو سرو چمن
مرا تنی‌ست شده مبتلا به بند بلا مرا دلیست شده ممتحن به تیر محن
(همان: ۳۵۵)

۵-۳-۴- فخر:

فخر به عنوان عنصری روانی - شخصیتی در آثار منظوم و منثور شعرا و نویسندگان همه اعصار نمود دارد و در هر روزگاری، رنگی خاص میپذیرد و نمیتواند از تأثیرهای زمانی و مکانی به دور باشد. قصاید رشید نیز سرشار از مفاخره و مباحثات است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره میکنیم. رشید خود را استحکام‌بخش پایه‌های سخن و سخنوری و فرمانروای عرصه هنر میداند که کلماتش زینت‌بخش ادبیات و معانی آنها دارای ملک عجم است تا جایی که حتی ستارگان آسمان نیز بنده نثر اویند:

آنم که به من گردد ارکان سخن محکم و آنم که به من یابد فرمان هنر امضا
(همان: ۱۹)

معنی معجز من و لفظ بدیع من سرمایه عجم شد و پیرایه ادب
(همان: ۴۰)

رشید افزون بر اینکه به نظم و نثر خود می‌بالد و کسی را در این زمینه هم‌پایه خویش به شمار نمی‌آورد، سجایای اخلاقی خود را نیز می‌ستاید که ابیات زیر نمونه‌ای از این مفاخرات است.

هنر در چهر من صادق چو مجنون در غم لیلی خرد بر جان من عاشق چو وامق بر رخ عذرا
نه چون هم پیشگان هستم مزور سیرت و خاین نه چون هم گوشان هستم مخنث عادت و رسوا
من از روی شرف حرم، لیکن از حیا بنده من از راه طمع گنگم، و لیکن از هنر گویا
(همان: ۲۸)

۵- نتیجه‌گیری

رشیدالدین وطواط از برجسته‌ترین چهره‌های قصیده‌سرایی در ادبیات فارسی است. شعر رشید از نظر زبان عالی، استادانه و مستحکم است. وی قدرت بی‌نظیری در برگزیدن کلمات و ترکیب آنها دارد. و از آنجا که خود در علم صرف و نحو استادی تمام عیار بوده و بلاغت و فصاحت را در حد اعلا میدانسته است، کمتر عیبی در زبان شعرش راه یافته و سخنش عاری از عیوب فصاحت و بلاغت است. رشید از کلمات و عبارات زبان عربی بهره وافری در شعرش برده و بیش از همه هنگام قافیه‌سازی به این زبان توجه داشته است و تقریباً قصیده‌ای نیست که در قافیه‌سازی آن از لغات عربی کمک نگرفته باشد. لغات مهجور فارسی و پهلوی در شعر رشید کاربرد کمی دارند. واژه‌هایی که وی انتخاب می‌کند بیشتر ساده هستند. درصد لغات مرکب و وندی در مقیاس با کلمات ساده بسیار پایین است و بیشتر کلمات مرکبی که به کار می‌برد صفتهای بیانی هستند. از دیدگاه نحوی و چگونگی ترکیب جمله نیز باید رشید را ادامه دهنده سبک خراسانی دانست. جمله‌ها و عبارات ساده و روان بیان میشوند و جابجایی ارکان جمله کمتر اتفاق می‌افتد. اشعار پارسی

وطواط مجموعه‌ای از صنایع مختلف لفظی، از قبیل ترصیع، مماثله و تجنیس و امثال آنهاست و با وجود اینکه در موارد بسیاری این صنایع شعری در عین تکلف اعمال شده اما آسیبی به استحکام کلام و سلیس بودن بیان نرسانده است. البته در برخی ابیات او تصنع و تکلف بسیار باعث ظهور استعارات ناپسند و حشوهای نیز شده است. همین توجه بیش از حد رشید به ایراد صنایع لفظی موجب آمده تا دیوان اشعارش از احساسات لطیف و معانی دقیق که لازمه شعرند عاری باشد و کمتر شعری از او در دل خوانندگان اثر گذارد.

در بررسی سطح ادبی که شامل تصویرسازی، بیان، علم معانی و بدیع است؛ مشخص شد که تشبیهات و استعارات رشید از حیث مشبه، مشبه‌به و وجه شبه معمولاً چندان دارای نوآوری نیست و همان تشبیهات پرکاربرد ادبیات فارسی است. با اینکه در چند مورد نوآوری انجام داده است و برای نمونه روی پرچین خود را به بندگاه قبا تشبیه کرده و پشت خمیده‌اش را به حلقه کمر بند. کنایه نیز در شعر رشید جایگاه والایی دارد ولی بیشتر کنایات وی از نوع ایماست که فهم آن دشوار نیست. در سطح فکری و ایدئولوژیک قصاید رشید دنباله دار همان سنت پیشین است و مضامین عاشقانه، اخلاقی، فلسفی و حکمی در برمیگیرد. رشید بیش از آنکه شاعر باشد مداح است و همه چیز حتی افکار بلند اخلاقی و اجتماعی را نیز در خدمت مدح به کار میگیرد و بر شعر خویش میبالد. از این روی رشید آینه تمام نمای روزگار خویش است که در آن تظاهر و خودبزرگ بینی و خودستایی رواج کامل داشته است.

منابع و مأخذ:

- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، چاپ سوم از ویراست چهارم، تهران: نشر میترا.
- حدائق السحر فی دقایق الشعر، وطواط، رشیدالدین محمد (۱۳۶۲)، تصحیح عباس اقبال، تهران: سنایی و طهوری.
- دیوان، وطواط، رشیدالدین محمد (۱۳۳۹). تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- زیباشناسی سخن پارسی (۱)، بیان، کزازی، میر جلال الدین (بی‌تا)، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- سبکشناسی شعر، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، چاپ سوم، تهران: نشر میترا.
- سبکشناسی یا تطور نثر فارسی، بهار، محمدتقی (۱۳۸۶)، چاپ دوم، ج ۱، تهران: زوار.
- سخن و سخنوران، فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۰)، تهران: خوارزمی
- شاعر آینه‌ها، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶). چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه

- «شرح حال رشید و طواط»، اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۰۹). مجله ارمغان، دوره یازدهم، ش ۵.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۶)، چ ۲۶، تهران: هما.
- کلیات سبک‌شناسی، سیروس، شمیسا (۱۳۸۴) تهران: نشر میترا
- مبانی سبک‌شناسی، وردانک، پیتز (۱۳۸۹)، ترجمه محمد غفاری، چاپ اول، تهران: نی.
- مقایسه شعر «عشق بتان» رشید و طواط با شعر «ذخیره» آپولینر، دین محمدی کرفسی، نصرت‌الله، نشریه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، پیاپی ۳۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۷).
- «نگاهی انتقادی به شیوه شاعری رشیدالدین و طواط»، سعیدی، سارا و محمد احمدی (۱۳۹۶). دوفصلنامه علوم ادبی، سال ۷، شماره ۱۱، بهار و تابستان (صص ۱۲۷-۱۰۹).
- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). تهران: میترا
- وزن شعر فارسی، ناتل خانلری، پرویز (۱۳۴۵)، چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۷)، چ ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یاقوت حموی، (۱۳۸۱). معجم‌الادبا (ج ۲)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات سروش.